

پرونده‌ی موضوعی: سینمای کمدی



با سپاس از آقایان:
 علی افشار، مهرزاد دانش، حسین کیتی،
 قربان‌علی تنگشیر، محسن سیف،
 مجید روانجو، پرتو مهتدی، طهماسب
 صلح‌جو، کیوان کثیریان، مسعود اطیابی،
 محمد هاشمی، رامتین شهبازی، مهدی
 نصیری، هادی معیری نژاد، محمد
 تقی فهیم، شاهرخ دولکو، حمید
 اکرمی، مرتضی محمدیان، رضا
 درسنکار و محمد ظاهری
 و خانم‌ها: شکوفه راستی مهر،
 الناز دیمان و نزهت بادی

سینمای خنده‌ی ایرانی

- نگاهی به سینمای کمدی در ایران
- خنده و شادمانی بخشی از حیات آدمی است
- سینمای خنده و سینمای کمدی در ایران!
- شروع سینمای ایران یا کمدی
- هنر بازیگری در ژانر کمدی
- اشکها و لیخندها
- قابلیت سینمای کمدی برای جذب مخاطب
- سینمای کمدی ایران و ابوالحسن داوودی
- کمدی دارای اندیشه
- سینمای کمدی فاقد جایگاه قابل اعتنا
- ژانر کمدی در ایران
- لزوم شناخت قواعد و نشانه‌های ژانر کمدی
- کمدی، در پای بست موفقیت
- دلایل تکرار مضامین در سینمای کمدی
- لزوم توجه خاص به سینمای کمدی
- انتقاد بکن ولی نه از من، نه از ما!
- فیلمنامه به شرط خنده
- مرد هزار لیخند
- و

شاید «برادران لومیر» هنگام دستیابی به سینما نگاهی صرفاً سرگرم‌کننده به هنر هفتم داشتند؛ شاید هم جنبه‌ی سرگرم‌کنندگی این هنر به مراتب قوی‌تر از جنبه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... آن باشد. به هر حال اگر بر ابعاد تفریحی و تفریحی سینما پیش‌تر زوم کنیم، ژانر کمدی پورنگ‌تر از دیگر ژانرها خود را نمایان می‌سازد؛ سینمایی که گاه در سایه‌ی ایجاد لحظات شاد و مفرح برای تماشاگران، تلاش می‌کند تا حرف‌هایی هم برای گفتن داشته باشد.

سینمای کمدی در کشور ما نیز از دیرباز مورد توجه سینماگران و مردم بوده است؛ همیشه پر فروش‌ترین فیلم‌های سینمای ایران خنده‌آورترین‌های آن‌ها نیز بوده‌اند. اگر فروش فیلم‌های به‌اکران درآمده سینمای ایران در همین چند ساله اخیر را مد نظر قرار دهیم، به فیلم‌های پرفروشی چون «توفیق اجباری» (محمدحسین لطیفی)، «آخر اچی‌ها» (مسعود ده‌نمکی)، «آتش‌بس» (تهمینه میلانی) و ... برمی‌خوریم؛ آثاری با رویکردهای اجتماعی و درونمایه‌های طنز و خنده.

پرونده‌ی این شماره‌ی ماهنامه‌ی «نقد سینما» به بررسی جایگاه، کم و کیف و ویژگی‌های ژانر کمدی در سینمای ایران اختصاص دارد که در همین راستا از نظرات اهالی قلم و سینما هم بهره بردیم و ماحصل آن تقدیم حضورتان می‌شود.



نگاهی به سینمای کمدی در ایران

یک قاشق مرباخوری از داروی شفابخش کمدی!

حتی کمدی صحنه‌یی شود و از سوی دیگر، البته با هوشمندی، به فرصتی برای فرار از تکرار و ظهور استعدادهای نو تبدیل گردد. قطعاً در این بین هنرمندی چون «مهران مدیری» که هم در تلویزیون جریان‌ساز و خلاق بوده و هم کارهای سینمایی موفقی داشته است، می‌تواند الگو قرار گیرد.

بی‌توجهی به ادبیات نمایشی و متون کهن

سینمای ایران به خاطر وجود منابع ادبی غنی در حیطه‌ی طنز و طنزپردازان نامی در پیشینه‌ی این سرزمین، صاحب گنج است به طوری که شاید هیچ کشور دیگری تا این اندازه نتواند به گنجینه‌ی ادبی خود بی‌الد، اما متأسفانه گامی در این زمینه برداشته نشده و حتی توجه مقطعی و ذوقی به این سرمایه‌ی عظیم و کهن در حد میان‌برده‌ها و جنگ‌های تلویزیونی نیز در حال حاضر کمرنگ و یا متوقف شده است. در سینما هم که هیچ کس نیامد و نرسید که چرا «کفش‌های میرزاتوروز» دیگر تکرار نشد!

اوضاع و احوال سینماگران کمدی

یکی از معضلات سینمای کمدی ما عدم وجود سینماگر متخصص فیلم‌های کمدی است، یعنی فیلمسازی که در این زمینه تجربیات ملأومی داشته و به نوعی سبک کمدی دست یافته باشد؛ این مشکل اساسی مربوط به قابلیت بالای سینمای کمدی و مفرح از جهت دستیابی به مخاطب انبوه است که موجب می‌شود سینماگر حادثه‌ی‌ساز، سینماگر مولودرام‌ساز و یا سینماگری که اصلاً ذوق و قریحه‌ی طنز ندارد، برای ساختن یک فیلم گیشه‌یی و مانند در این سینما پشت دوربین یک فیلم طنز برود و ... در این میان

جری لوییس، نورمن ویزدم، استیو مارتین و ... را گرفت با این وجود، این یک واقعیت انکارناپذیر است که ژانر کمدی برای بقا و ارتقا نیاز به ستاره دارد و سیستم ستاره‌سازی سینمای ما برخلاف سالیان دور، در سال‌های حاضر، در این زمینه چندان موفق نبوده است.

وامداری سینمای کمدی از تلویزیون

سینمای کمدی همواره وامدار نمایش‌های کمدی، برنامه‌های طنز و مجموعه‌های پرمخاطب تلویزیونی بوده است و این اتفاق نوظهوری نیست، اما یکی از مشکلات سینمای ایران این است که صرفاً یک بازیگر مشهور کمدی را از تلویزیون گرفته و چیزی به کاراکتر شناخته‌شده‌ی آن نمی‌افزاید و به همین خاطر کمتر می‌توان به تداوم چهره‌های کمدی تلویزیونی در سینمای ایران برخورد؛ البته در سینمای ما استثنائاتی هم در این زمینه وجود داشته ولی کفه‌ی ترازو به سمت این موارد سنگینی نمی‌کند، برای مثال کفه‌ی فیلم‌هایی چون «قلقلک»، «شاخه‌گلی برای عروس»، «کلاهی برای باران»، «زن بدلی» و ... نسبت به «دایره‌زنگی» و «رفیق بد» سنگین‌تر است.

اشباع شدن مخاطب از کمدی؛ تهدید یا فرصت؟

در فضای فعلی رسانه‌یی، تلویزیون به دلیل فراگیرتر بودنش گوی سبقت را از سایر رسانه‌ها برده و مخاطب نیز انتخاب‌هایش در زمینه‌ی کمدی را بیش‌تر در جمعی‌ی جادویی جست‌وجو می‌کند. این موضوع می‌تواند از سویی نوعی اشباع‌شدگی را در مخاطب به وجود آورد که شاید در صورت تولید انبوه کمدی منجر به دلزدگی از کمدی تلویزیونی و

علی افشار

کمدی و طنز در سینمای ایران معجزه می‌کند. ژانر کمدی از ابتدا تا کنون پرمخاطب و جذاب بوده، اما شاید این‌طور به نظر برسد که چون این ژانر همواره با خود عنصر جذابیت را به همراه دارد و مفرح است، در مقایسه با سایر گونه‌های سینمایی مهجور در سینمای ایران، الزامی به نقد و بررسی ندارد، چرا که نیاز مخاطب سینما به خنده همیشه وجود داشته و دارد و چنین به نظر نمی‌آید روزی برسد که سلیقه‌ی این مخاطب با کمدی در سینما و در سایر رسانه‌های نمایشی - تصویری دچار مشکل شود.

اگر به این حقیقت تاریخی قایل باشیم که نخستین فیلم‌های پرمخاطب سینمای دنیا کمدی و مفرح بوده‌اند، در سینمای ایران نیز می‌توان رد پای این دیرپایی را یافت. کمدی هم‌چنین در مقاطع مختلف، مانند دارویی معجزه‌گر و شفابخش، سینما و سینماگر ایرانی‌را نجات داده است؛ نمونه‌ی واضح آن، گیشه‌ی سینمای ایران در چند سال اخیر است که به‌شدت وامدار کمدی و طنز بوده است (دایره‌زنگی که رکورددار فروش نروروزی شد). در این میان سینمای کمدی ایران را از چند بعد می‌توان مورد آسیب‌شناسی قرار داد:

فقدان تفکری برای کمدین‌پروری

در سینمای ایران، به‌ویژه در چند دهه‌ی اخیر، کمتر می‌توان فیلم‌های طنزآمیز و مفرحی را یافت که در آن‌ها کمدین‌ها و یا تیپ‌های شناخته‌شده‌ی کمدی حرف اول و آخر را بزنند و فیلم بر اساس کاراکتر آنان استوار شده باشد. گرچه طبیعی است که بنا به مقتضیات رسانه و تغییر روابط اجتماعی در دنیای امروز نمی‌توان سراغ بزرگانی چون ماکس لندر، چارلی چاپلین، مک سنت و یا